

مقایسه سرسختی بین زوج‌های متقاضی و غیرمتقاضی طلاق

Comparison of hardiness among divorcing and non-divorcing couples

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۱۸

Ramezani-Golafzani N. *MSc*[✉], Mazaheri M.A. *PhD*
Roshan R. *PhD*

نازی رمضانی گل‌افزانی[✉]، محمدعلی مظاهری^۱
رسول روشن^۲

Abstract

Introduction: The purpose of this study was to compare the hardiness of divorcing and non-divorcing couples.

Method: The subjects consisted of 90 couples (30 couples for each group) who were selected using a hand-sorting selection. All couples answered the Kobasa Personal Views Survey and the Marital Adjustment Test. Data were analyzed by two-way of analysis of variance (ANOVA) and a repeated major scale.

Results: The results revealed that the divorcing couples reported significantly higher levels of hardiness, as well as higher levels of its two subscales of commitment and control, than the counseling couples.

Conclusion: Family arguments are one of the main causes of stress for family members. Hardiness is one of the important and leading factors in coping with stress. Divorcing couples decide to divorce after a long time of tolerating stress and are relieved of the tensions that were caused by thinking about their decision. In contrast, the consulting couples are trying to find a solution to free them from their unsatisfactory situation. It can be said that such an unclear situation results in less hardiness.

Keywords: Hardiness, Marital Adjustment, Divorce, Couples

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف مقایسه سرسختی بین زوج‌های متقاضی طلاق و زوج‌های غیرمتقاضی طلاق انجام شده است.

روش: نمونه تحقیق شامل ۹۰ زوج (۳۰ زوج از هر گروه) است که به روش دردسترس از نوع چورکردنی انتخاب شدند. تمامی زوج‌ها به دو پرسشنامه مقیاس زمینه‌یابی دیدگاه‌های شخصی کوباسا و آزمون سازگاری زناشویی لاک-والاس پاسخ دادند. شاخص‌های بدست آمده از پرسشنامه‌ها با روش تحلیل واریانس دو راهه و اندازگیری‌های مکرر مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در زیر مقیاس‌های تعهد و کنترل مولفه سرسختی، میانگین نمرات گروه متقاضی طلاق از گروه متقاضی مشاوره بالاتر است. در مقیاس سرسختی کل نیز نمره گروه متقاضی طلاق از گروه متقاضی مشاوره به گونه معنادار بالاتر بود.

نتیجه‌گیری: درگیری میان اعضای خانواده از عمده‌ترین عوامل ایجاد استرس برای اعضای خانواده به حساب می‌آید و سرسختی یکی از مولفه‌های مهم و راهبردی کنار آمدن با استرس است. گروه زوج‌های متقاضی طلاق چون در پی فشار ناشی از تحمل تنش اغلب طولانی مدت تصمیم قاطع به جدایی گرفته‌اند، از تنش‌ها و استرس ناشی از تفکر در مورد تصمیم‌گیری رها شده‌اند، در حالی که گروه زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره به دنبال راهی برای رهایی از شرایط نامطلوب خویش هستند و شاید بتوان گفت همین نامشخص بودن نتیجه این تلاش و تحمل سطح بالای استرس، باعث شده تا سرسختی در این افراد کمتر از گروه متقاضی طلاق باشد.

کلیدواژه‌ها: سرسختی، سازگاری زناشویی، طلاق، زوجین

✉ **Corresponding Author** Department of Psychology,
Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid
Beheshti University, Tehran, Iran
Email: naziramezani@gmail.com

✉ گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۱- گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲- گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در بین تمامی جوامع بشری به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و منشا فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. خانواده موثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تاثیر و تاثیر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان‌ها در خانواده به هویت و رشد شخصیتی دست می‌یابند و در خانواده‌های سالم و رشید به تکامل معنوی و اخلاقی نایل می‌شوند. لذا خانواده عامل کمال‌بخشی، سکونت، آرامش و بالندگی به اعضای خویش است که در تحولات اساسی جوامع نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. فقدان شبکه ارتباطی محبت‌آمیز میان زن و شوهر، خانواده را به کانون درگیری، کشمکش و تضاد تبدیل می‌کند و تفاهم را که سنگ زیرین بنیان خانواده است ویران می‌کند. رابطه زناشویی و زندگی مشترک، مانند هر رابطه دیگری دارای جنبه‌های مثبت و منفی است. صمیمیت و مشارکت از جنبه‌های مثبت آن و عدم رضایت از جنبه‌های منفی آن به حساب می‌آید [۱]. ناسازگاری و عدم رضایت زناشویی پس از ازدواج نه تنها برکنش‌های روانی-اجتماعی زن و شوهر بلکه بر رشد و تحول کودکان و نوجوانان آن خانواده نیز اثرات سوء به جای می‌گذارد. افزایش آمار فرار دختران از منزل، کودکان خیابانی و بزهکاری کودکان و نوجوانان ارتباط مستقیمی با خانواده‌های آشفته و طلاق دارد. هم‌اکنون بسیاری از زوج‌ها در خانواده‌ای زندگی می‌کنند که طلاق روانی در آن حکمفرماست [۲]. بدین معنا که هیچ‌گونه رابطه عاطفی و جسمانی بین زن و شوهر وجود ندارد و زندگی به‌صورت اجباری و با حداقل تعامل به پیش می‌رود. به‌همین جهت ضروری است با دیدگاهی آسیب‌شناسانه به علل درون فردی ناسازگاری‌های زناشویی و عدم موفقیت در ازدواج‌ها پرداخته و نقش ویژگی‌های شخصیتی در سازگاری و رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گیرد. در دهه‌های اخیر تاثیر شخصیت بر تعامل در روابط احساسی و صمیمانه دو نفره توجه زیادی را به‌خود جلب نموده است [۲] و نظریه‌های متعدد در باره سازگاری زناشویی، ارتباط آن را با شخصیت مشخص نموده‌اند.

هر چند سطح آرامش روانی و سازگاری می‌تواند در اثر تغییرات و رویدادهای جدید مثبت و منفی از حالت اعتدال خارج شود، ویژگی‌های شخصیت می‌توانند به‌عنوان عامل برقرارکننده سطح بهنجار نقش مناسب خود را ایفا کنند [۳]. در این میان سرسختی یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که به‌عنوان راهی برای ارتقاء سلامت تلقی می‌شود. کویاسا سرسختی را ترکیبی از باورها در مورد خویشتن و جهان می‌داند که فرد را در برابر فشارهای بیرونی و درونی مصون می‌سازد. در واقع این ویژگی توانایی پردازش مناسب محرک‌های درونی و بیرونی است. مفهوم

سرسختی را نباید صرفاً در نیروهای خاص برای تحمل فراوان استرس خلاصه کرد، بلکه وجود این سازه فرد را در شرایط سخت پیش می‌برد و او را یاری می‌کند که وقایع تهدیدآمیز را با موفقیت بیشتری پشت‌سر بگذارد. سرسختی توانایی درک درست شرایط پیرامون و قابلیت تصمیم‌گیری مطلوب در مورد خویشتن است [۴].

اگرچه تا کنون پژوهش‌های بسیاری پیرامون عوامل اقتصادی، فرهنگی، روانشناختی و جامعه‌شناختی دخیل در سازگاری زناشویی و موثر بر طلاق، انجام شده است، اما طبق بررسی‌های انجام شده، تا کنون پژوهشی به‌طور مشخص نقش عامل سرسختی را در رضایت‌مندی یا نارضامندی زناشویی بررسی نکرده است. از این رو پژوهش حاضر قصد دارد نقش سرسختی را در میزان رضایت‌مندی زناشویی مورد ارزیابی قرار دهد.

روش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوج‌های متقاضی طلاق (توافقی) است که به دادگاه‌های خانواده استان تهران مراجعه کرده‌اند و پرونده آنها در جریان می‌باشد و نیز کلیه زوج‌های مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روانشناسی شهر تهران برای دریافت مشاوره زناشویی و همین‌طور کلیه زوج‌هایی که در استان تهران زندگی می‌کنند و تا کنون متقاضی طلاق نبوده و به کلینیک‌ها هم جهت دریافت مشاوره زناشویی مراجعه نکرده‌اند، می‌باشد. از سه جامعه مورد نظر سه گروه نمونه (هر گروه ۳۰ زوج و در مجموع ۹۰ زوج) مختلف به‌شرح زیر و به‌صورت نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند.

الف: در گروه اول، از بین زوج‌های متقاضی طلاق که جهت پیگیری پرونده طلاق خود به مجتمع قضایی شهید باهنر (دادگاه خانواده شماره ۲) مراجعه کرده بودند، ۳۰ زوج که برای شرکت در پژوهش حاضر اعلام آمادگی کرده بودند انتخاب شدند. به‌دلیل محدودیت‌های پژوهش و عدم دسترسی به هر دو زوج در انواع دیگر طلاق‌ها، شرکت‌کنندگان در این پژوهش متقاضی طلاق توافقی بودند.

ب: گروه دوم از بین زوج‌هایی که جهت دریافت مشاوره زناشویی به یکی از مراکز ارائه خدمات مشاوره‌ای در شهر تهران مراجعه کرده بودند ۳۰ زوج با اعلام رضایت جهت همکاری به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

ج: گروه سوم نیز به‌صورت تصادفی غیراحتمالی دردسترس در مکان‌های عمومی شهری نظیر پارک‌ها انتخاب شدند. شرط ورود به پژوهش در این گروه به این صورت بود که زوج‌ها قبلاً متقاضی طلاق نبوده و نیز به‌دلیل مشکلات زناشویی به مراکز مشاوره مراجعه نکرده باشند. همانگونه که ذکر شد در انتخاب گروه‌های نمونه با توجه به دردسترس بودن نمونه انتخابی، سعی

این پرسشنامه حاوی ۱۵ ماده است که نشان می‌دهد تا چه حد پاسخ‌دهنده با همسر خود در خصوص تعدادی از فعالیت‌هایی که در سازگاری زناشویی نقش بنیادین دارند، موافق است. مقیاس بایستی بوسیله هریک از زوجین به‌طور جداگانه تکمیل شود و بدین ترتیب امکان اندازه‌گیری کلی سازگاری زناشویی بر پایه ادراک بین فردی از روابط زناشویی را فراهم می‌آورد [۶]. گستره نمرات آزمون سازگاری زناشویی می‌تواند از ۲ تا ۱۵۸ باشد. نمرات پایین، نارضایتی و نمرات بالا رضایت را نشان می‌دهد و میانگین نمرات برای مردان ۱۱۰ و برای زنان ۱۰۸ است. نمرات ۱۰۰ و بالاتر به‌طور کلی رضایت از ازدواج را نشان می‌دهد و نمرات پایین‌تر از ۱۰۰ نشان‌دهنده «تنیدگی در روابط زناشویی» است. میانگین نمره سازگاری برای یک گروه به‌خوبی سازگار شده، ۱۳۵/۹ و میانگین نمرات برای یک گروه ناسازگار، ۷۱/۷ است. آزمون سازگاری زناشویی لاک-والاس در ادبیات روانشناختی به‌عنوان ابزار معتبر اندازه‌گیری رضایت از ازدواج شناخته می‌شود. این آزمون با کاربرد روش دو نیمه‌کردن، اعتبار بسیار بالایی ۰/۹۰ را نشان داده است. همچنین آزمون سازگاری زناشویی با ایجاد تمایز واضح و آشکار بین همسرانی که به‌خوبی سازش یافته‌اند و آنهایی که در ازدواج خود دچار تنیدگی هستند، اعتبار بسیار بالایی نشان داده است [۶]. آلفای کرونباخ بدست‌آمده از این آزمون در این پژوهش ۰/۷۴ است.

یافته‌ها

در این مطالعه ۹۰ زوج در قالب ۳ گروه مورد بررسی قرار گرفتند که این سه گروه از لحاظ میانگین سنی ($F=1/28$, $P=0/279$)، طول مدت ازدواج ($F=0/428$, $P=0/653$) و وضعیت اقتصادی ($df=4$, $P=0/189$) با هم جور شدند و بین آنها تفاوت معناداری در این سه عامل وجود نداشت که نتایج آن در جدول ۱ نشان داده شده است. در زیر مقیاس‌های تعهد و کنترل، زوجین متقاضی مشاوره کمترین نمره و در زیر مقیاس مبارزه‌جویی نیز زوجین متقاضی طلاق کمترین نمره و در هر سه زیر مقیاس زوجین عادی بالاترین نمره را گزارش نموده‌اند.

شد در هر سه گروه زوج‌ها از لحاظ خصوصیات جمعیت‌شناختی نظیر سن، طول مدت ازدواج و وضعیت اقتصادی-اجتماعی به‌طور کلی شبیه یکدیگر باشند.

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از:

مقیاس سرسختی (پرسشنامه زمینه‌یابی دیدگاه‌های شخصی کوباسا، ۱۹۹۰): این مقیاس یک پرسشنامه خودگزارش‌دهی است که میزان سرسختی روانشناختی افراد با آن سنجیده می‌شود و دارای ۵۰ ماده و سه خرده مقیاس کنترل، تعهد و مبارزه‌جویی است. آزمودنی برای پاسخ‌گویی باید نظر خود را در یک مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای از صفر تا ۳ (اصلاً صحیح نیست، تقریباً صحیح است، غالباً صحیح است و کاملاً صحیح است)، بیان کند. مقیاس دیدگاه‌های شخصی ۴ نمره بدست می‌دهد. یکی برای کل مقیاس با ۵۰ ماده و سه نمره دیگر به ترتیب برای خرده مقیاس تعهد با ۱۶ ماده و خرده مقیاس‌های کنترل و مبارزه‌جویی هر کدام با ۱۷ ماده. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که مولفه‌های سه‌گانه سرسختی یعنی تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی هر یک به‌ترتیب از ضریب اعتبار ۰/۷، ۰/۵۲ و ۰/۵۲ برخوردارند و این ضریب برای کل صفت سرسختی ۰/۷۵ محاسبه شده است [۵]. در مطالعات داخلی نیز اعتبار مقیاس سرسختی مورد حمایت قرار گرفته است، از جمله ناخدا [۵]، برای اعتبار به‌روش آلفای کرونباخ مقیاس سرسختی و خرده مقیاس‌های تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی به‌ترتیب ضرایب ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۷۲ و ۰/۶۹ و برای اعتبار تصنیفی همان متغیرها به‌ترتیب ضرایب ۰/۷۵، ۰/۷۱، ۰/۷۵ و ۰/۶۴ را گزارش کرده است. وی اعتبار این مقیاس را برای کل مقیاس سرسختی و خرده مقیاس‌های تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی به ترتیب ضرایب اعتبار ۰/۵۳، ۰/۴۸، ۰/۳۸ و ۰/۴ را گزارش کرده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ آزمون سرسختی، ۰/۸۷ بدست آمد.

آزمون سازگاری زناشویی (لاک-والاس) (MAT) Marital Adjustment Test: این مقیاس یک پرسشنامه خودگزارش‌دهی کوتاه است که به‌منظور اندازه‌گیری کیفیت کنش‌وری ازدواج طراحی شده است. آزمون سازگاری زناشویی معمول‌ترین ابزار اندازه‌گیری به‌کار برده شده در این زمینه است.

جدول ۱- توزیع فراوانی سن و طول مدت ازدواج آزمودنی‌ها در گروه‌ها و مقایسه معنادار بودن تفاوت در سه گروه

سن	میانگین	طی	مشاوره	عادی	F	P
۲۸/۶۴	۳۱/۰۱	۳۱/۲۳	۷/۲	۷/۴۸	۱/۲۸	۰/۲۹۷
۶/۱۳	۸۷/۶۷	۸۰	۸۲/۸۷	۶۳/۶۱	۰/۴۲۸	۰/۶۵۳
۷۰/۸۷	۶۳/۰۲					

یافته‌های توصیفی این پژوهش (جدول ۲)، نشان می‌دهند که گروه زوج‌های عادی بیشترین نمره را در مقیاس سازگاری زناشویی و مقیاس سرسختی دارا می‌باشند و

معمول‌ترین ابزار اندازه‌گیری به‌کار برده شده در این زمینه است.

جدول ۲- نتایج توصیفی پرسشنامه‌های سرسختی و سازگاری زناشویی

متغیر	گروه	طلاق (N=30)		مشاوره (N=30)		عادی (N=30)	
		Sd	M	Sd	M	Sd	M
تعهد	زن	۷/۹	۳۲/۱۳	۱۰/۴۸	۲۶/۸	۷/۳۵	۳۶/۵۳
	مرد	۷/۵	۳۲/۲۳	۹/۶۹	۲۸/۶۷	۷/۱۶	۳۴/۲۳
کنترل	زن	۵/۸۵	۳۲/۱۷	۸/۹۳	۲۵/۹۳	۷/۰۷	۳۷
	مرد	۸/۶۱	۳۲/۷۷	۹/۸	۲۷/۹۷	۷/۳۶	۳۴/۵۳
چالش	زن	۶/۵	۲۲/۷۳	۵/۸۱	۲۳/۱۳	۸/۳۳	۲۶/۸
	مرد	۵/۷۱	۲۱/۸۷	۵/۱۱	۲۳/۱۳	۵/۰۶	۲۵/۸۷
سرسختی کل	زن	۱۱/۲۸	۵۸/۲	۱۳/۶۸	۵۰/۶۸	۱۱/۲	۶۷/۰۷
	مرد	۱۱/۳۳	۵۸/۰۹	۱۳/۷۱	۵۳/۳	۱۰/۷۵	۶۳/۲۵
MAT	زن	۲۵/۶۸	۶۳/۶۳	۲۹/۷۲	۷۰/۶۳	۱۸/۸۸	۱۳۴/۱۷
	مرد	۳۲/۹	۷۷/۷	۳۶/۱۴	۷۵/۸		

همچنین تحلیل واریانس زیرمقیاس مبارزه‌جویی نیز نشان داد که تاثیر عامل جنسیت و تعامل جنسیت با گروه معنادار نمی‌باشد ($F(1) < 1$) اما تاثیر عامل گروه معنادار می‌باشد ($F(2,47) = 7/11$)، $P = 0/001$ ، به‌صورتی که نمره زیرمقیاس مبارزه‌جویی در زوجین عادی به‌گونه معنادار از دو گروه دیگر بالاتر است.

تحلیل واریانس نمرات سرسختی کل نیز نشان داد که در حالی که عامل‌های جنسیت و گروه‌ها در تعامل با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند اما اثر اصلی گروه‌ها در مقایسه نمرات سرسختی معنادار می‌باشد به‌عبارت دیگر نمره سرسختی زوجین عادی به‌گونه معنادار از دو گروه دیگر بالاتر است و همچنین نمره گروه متقاضیان مشاوره نیز به‌گونه معنادار از دو گروه دیگر پایین‌تر است. این نتایج در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

برای مقایسه سرسختی و زیرمقیاس‌های آن در بین سه گروه زوجین از آزمون تحلیل واریانس دوراهه استفاده شده است. نتایج تحلیل واریانس دوراهه زیرمقیاس تعهد نشان داد که تاثیر عامل جنسیت و تعامل جنسیت با گروه معنادار نمی‌باشد ($F(1) < 1$) اما تاثیر عامل گروه معنادار می‌باشد ($F(2,47) = 12/43$)، $P = 0/001$ ، به‌صورتی که طبق نتایج بدست‌آمده از آزمون تعقیبی شفه نمره تعهد زوجین متقاضی مشاوره نسبت به دو گروه دیگر به‌گونه معنادار پایین‌تر می‌باشد.

نتیجه بدست‌آمده از تحلیل واریانس زیرمقیاس کنترل نیز نشان داد که تاثیر عامل جنسیت و تعامل جنسیت با گروه معنادار نمی‌باشد ($F(1) < 1$) اما تاثیر عامل گروه معنادار می‌باشد ($F(2,47) = 18/4$)، $P = 0/001$ ، به‌صورتی که نمره کنترل زوجین متقاضی مشاوره نسبت به دو گروه دیگر به‌گونه معنادار پایین‌تر می‌باشد.

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس نمرات سرسختی در تعامل گروه‌ها و جنسیت

منبع پراش	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	شفه
جنسیت	۸/۴۴	۱	۸/۴۴	۰/۰۶	۰/۸۱	$P < 0/001$
گروه	۵۲۰۸/۱۹	۲	۲۶۰۴/۱	۱۷/۹۲	۰/۰۰۱	
جنسیت گروه	۳۱۲/۹۳	۲	۱۵۶/۹۷	۱/۰۸	۰/۳۴	
خطا	۱۵۸۰۵/۵۶		۱۴۵/۲۹			

جدول ۴- نتایج آزمون اندازه‌گیری‌های مکرر نمرات سازگاری زناشویی در تعامل گروه‌ها و جنسیت

منبع پراش	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
جنسیت	۱۸۶۸/۹۵	۱	۱۶۱/۹۱	۰/۴۶	۰/۵۰۲
سرسختی (کوواریانس)	۱۲۲۳۰/۹۱	۲	۱۵۹۶۸/۳۸	۱۵/۲۸	۰/۰۰۱
گروه	۱۰۷۲۷۲/۴۶	۲	۴۶۰۴۵/۶۲	۴۴/۰۵	۰/۰۰۱
جنسیت گروه	۱۳۴۷/۸۰	۲	۶۳۷/۹	۰/۹۴	۰/۳۹۴
خطا	۱۲۴۶۶۵/۲۶	۱۷۳	۷۲۰/۶۱		

شد و برای کنترل نمرات سرسختی به‌عنوان عامل مداخله‌گر، سرسختی به‌عنوان کوواریانس در تحلیل وارد شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ نشان‌داده شده است.

برای مقایسه نمرات سازگاری زناشویی در بین گروه‌های طلاق، مشاوره و عادی از آنجایی که زوج‌ها به‌صورت یک واحد سیستمی در نظر گرفته می‌شوند، از آزمون اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده

تاکید می‌کنند [۱۰]، به همین دلیل به نظر می‌رسد زوج‌هایی که تصمیم به طلاق گرفته‌اند احتمالاً احساس کنترل و مهار بیشتری بر موقعیت دارند و زوج‌هایی که متقاضی مشاوره هستند در پی یافتن راه حل، دلیل و شاید مقصر برای عیوب رابطه خویش می‌باشند و به همین دلیل در مولفه کنترل نمرات پایین‌تری نسبت به متقاضیان طلاق دارند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعه جودکینز [۱۱] مبنی بر رابطه سرسختی و سطح استرس و مهارت‌ها مقابله‌ای، شاید بتوان گفت؛ چون زوج‌های متقاضی مشاوره، احتمالاً به دلیل درگیر بودن با مشکلات رابطه‌ای خویش، سطح استرس بالایی را تحمل می‌کنند، به همین دلیل نمرات سرسختی پایین‌تری را نشان می‌دهند. طبق مطالعه برن [۱۲]، نیز ارتباطی بین سرسختی، اثرات بالقوه رویدادهای استرس‌زای زندگی و سلامتی ادراک‌شده زنان مطلقه، بدست نیامد.

از طرف دیگر شاید چون حرمت طلاق در ایران بالاست و زوج‌ها به‌سادگی به سمت طلاق نمی‌روند، اغلب زوج‌های متقاضی طلاق با پشت‌سر گذاردن تمام مراحل که آنها را از جدا شدن منع می‌کند، به این مرحله رسیده‌اند و برای طلاق تمامی جنبه‌ها و عواقب آن را در نظر گرفته‌اند و بنابر این احساس کنترل بیشتری بر موقعیت دارند و در نتیجه نمرات سرسختی در آنان بالاتر است. البته شاید اگر از این زوج‌ها روش‌ها و مراحل که برای جلوگیری از طلاق طی کرده‌اند، پرسیده می‌شد، تفاوت‌هایی در نمره سرسختی زوج‌هایی که قبل از طلاق اقدامات قبلی داشته‌اند با آنهایی که مستقیماً سراغ طلاق آمده‌اند، دیده می‌شد.

از طرفی به نظر می‌رسد عوامل دیگری همچون عوامل شخصیتی مانند انعطاف‌پذیری [۴]، منابع حمایتی در دسترس افراد [۱۳] در سرسختی افراد نقش داشته باشد که به دلیل محدودیت در این پژوهش در نظر گرفته نشده است و شاید به همین دلیل نتیجه این پژوهش با تعدادی از پژوهش‌ها مبنی بر اینکه افراد سرسخت برای مقابله با تغییرات زندگی بیشتر از افراد غیر سرسخت از منابع حمایتی استفاده می‌کنند [۱۳]، اثرات تعدیل‌کنندگی سرسختی در موقعیت‌های استرس‌زا [۱۴] و یا پژوهش سولکاسو و تومانک [۱۵] مبنی بر استفاده بیشتر راهبردهای سازگار توسط افراد واجد صفت سرسختی به‌میزان بالا، والش [۱۶] مبنی بر ارتباط انعطاف‌پذیری (یکی از مواردی که باعث تقویت صفت سرسختی می‌شود) و تقویت مقابله با بحران‌ها و مقاومت در برابر انواع استرس‌ها همخوانی ندارد.

در رابطه با یافته‌های مربوط به زیرمقیاس‌های سرسختی نیز می‌توان گفت، شخصی که از تعهد بالایی برخوردار است، اهمیت، ارزش و معنای اینکه چه کسی است و چه فعالیت‌ها و اموری را

نتایج داده‌ها در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن عامل سرسختی به‌عنوان کوواریانس، در حالی که عامل‌های جنسیت و گروه‌ها در تعامل با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند اما اثر اصلی گروه‌ها در مقایسه نمرات سازگاری زناشویی معنادار می‌باشد.

بحث

همان‌طور که در ابتدای مقاله ذکر شده است، هدف این طرح مقایسه سرسختی بین زوج‌های متقاضی طلاق، زوج‌هایی که برای دریافت مشاوره زناشویی مراجعه می‌کنند و زوج‌های غیرمتقاضی طلاق (سازگار) است.

خلاصه نتایج بدست‌آمده نشان می‌دهد که سرسختی زوج‌های متقاضی مشاوره نسبت به زوج‌های متقاضی طلاق کمتر است. در زیر مقیاس‌ها نیز نمره زیر مقیاس‌های تعهد و کنترل زوجین متقاضی مشاوره نسبت به دو گروه دیگر به‌گونه معنادار پایین‌تر می‌باشد و همچنین نمره زیرمقیاس مبارزه‌جویی در زوجین عادی به‌گونه معنادار از دو گروه دیگر بالاتر است.

در سوال پژوهش پیش‌بینی‌شده بود که افراد متقاضی طلاق از سرسختی کمتری نسبت به دو گروه دیگر برخوردار هستند. گرچه در یافته‌های پژوهش حاضر این تفاوت در میانگین‌ها مشاهده می‌شود، اما برخلاف فرض مطرح شده سرسختی گروه متقاضی طلاق از گروه متقاضی دریافت خدمات مشاوره‌ای بالاتر است. این مسئله را می‌توان به این صورت توضیح داد که؛ بنا به اعتقاد پترسون [۷] درگیری میان اعضای خانواده از عمده‌ترین عوامل ایجاد استرس برای اعضای خانواده به حساب می‌آید. سرسختی یکی از مولفه‌های مهم و راهبردی کنار آمدن با استرس است. زوج‌های متقاضی طلاق در پی فشار ناشی از تحمل تنش‌های اغلب طولانی مدت، سرانجام طلاق را به‌عنوان راه‌هایی از آن انتخاب کرده‌اند، بنابراین به‌نظر می‌رسد گروه زوج‌های متقاضی طلاق چون تصمیم قاطع به جدایی گرفته‌اند، به نوعی مسیر خود را مشخص کرده‌اند و از تنش‌ها و استرس ناشی از تفکر راجع به تصمیم‌گیری رها شده‌اند، در حالی که گروه زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره به‌دنبال راهی برای رهایی از شرایط نامطلوب حاضر خویش هستند و شاید بتوان گفت همین نامشخص بودن نتیجه این تلاش و تحمل سطح بالای استرس و از آنجا که سرسختی و سطح استرس رابطه مستقیم دارند [۸]، باعث شده تا سرسختی در این افراد کمتر از گروه متقاضی طلاق باشد. بالاتر بودن میانگین فاکتورهای تعهد و کنترل در زوج‌های متقاضی طلاق نسبت به زوج‌های متقاضی مشاوره نیز شاید مؤید همین باشد. بنابر نظر کوباسا و مدی [۹]، افرادی که در مولفه کنترل قوی هستند، رویدادهای زندگی را قابل پیش‌بینی و مهار می‌دانند و برای حل مشکلات به مسئولیت خویش بیش از اعمال دیگران

تشکر و قدردانی

با تشکر از استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمدرضا شعیری که پیشنهادهای ارزنده‌شان، راهنمای نگارش این مقاله بود.

منابع

- 1- Fincham F. Communicating in relationships: A guide for couples and professionals. Tehran: Roshd Publication; 2007. [Persian]
- 2- Mollazadeh J, Mansoor M, Ejei J. The relationship between marital adjustment and coping styles in personality factors in children. J psychol. 2002;23(6):255-75. [Persian]
- 3- Headey B, Veenhoven R, Wearing A. Top- down versus bottom- up theories of subjective well-being. Soc Indicat Res. 1991;24:81-100.
- 4- Jomehri F. Examine the relationship between hardiness and inclination to anxiety and depression among men and women students of Tehran University [Dissertation]. Tehran: Allame Tabatabaee University; 2002. [Persian]
- 5- Khosravipour E. The relationship between stress, hardiness and mental health in Tabriz University students [Dissertation]. Tabriz: Tabriz University; 2004. [Persian]
- 6- Mazaheri M. The role of adult attachment in the productivity of marriage act. J psychol. 2000;15:286-318. [Persian]
- 7- Patterson JM. Integration family resilience and family stress therapy. J Marriage Fam. 2002;64:349-60.
- 8- Kobasa SC. Hardiness in Lindsey, Thompson and Spring (Eds). Psychology (3rd Ed). New York: Worth Publisher; 1988.
- 9- Maddi SR, Khoshaba DM, editors. Hardiness and Mental health. Pers Ass. 1994;63(2):262-74.
- 10- Ghorbani N, Dejkam M. Relationship between hardiness , type A behavior pattern and coronary disease-prone behavior (type 2). J Shahid Beheshti University Med Sci. 1995;18(3):35-44. [Persian]
- 11- Judkins SK. Stress, hardiness and coping strategies among middle level nurse managers: Nurs Econ. 2006; 24(4):193-203.
- 12- Brennan kL. Hardiness, stress and perceived health of divorced women. California State University; 2000.
- 13- Shepperd JA, Kashani JH. The relationship of hardiness, gender and stress to health outcomes in adolescents. Pers. 1991;59(4):747-68.
- 14- Wiebe DJ. Hardiness and stress moderation: a test of proposed mechanisms. Pers soc psycho. 1991;60(1):89-99.
- 15- Solkaso L, Tomanek P. editors. Psychological studies. Pers Soc Psychol. 1994;36:390-2.
- 16- Walsh F. Hardiness and coping. Fam process; 1996;35:261-81.

انجام می‌دهد را باور دارد و قادر است در مورد آنچه که انجام می‌دهد، معنایی بیابد [۱۰]، شاید به‌همین دلیل است که زوج‌هایی که تصمیم به طلاق گرفته‌اند (بخصوص اینکه گروه متقاضیان طلاق در این پژوهش، متقاضیان طلاق توافقی هستند)، چون می‌دانند چه می‌خواهند و چرا تصمیم به جدایی گرفته‌اند، از تعهد بالاتری نسبت به متقاضیان مشاوره برخوردارند با این حال این پرسش همچنان به‌جای خود باقی است که اگر گروه نمونه این پژوهش در گروه طلاق از متقاضیان طلاق توافقی نبودند، آیا باز هم یافته‌های حاضر تکرار می‌شدند؟

عامل مبارزه‌جویی که یکی دیگر از زیر مقیاس‌های سرسختی است نیز به این باور اشاره دارد که تغییر و تحول، جنبه مثبتی از زندگی است و لذا افراد سرسخت، تغییرات زندگی را مخاطره‌ای برای امنیت خود تلقی نمی‌کنند. افراد دارای مبارزه‌جویی بالا، موقعیت‌های مثبت یا منفی را فرصتی برای یادگیری و رشد بیشتر می‌دانند تا تهدیدی برای امنیت و آسایش خود. چنین باوری انعطاف‌پذیری شناختی و قدرت تحمل رویدادها و موقعیت‌های مبهم و ناراحت‌کننده زندگی را به‌همراه دارد [۱۰]، بنابراین می‌توان گفت زوج‌های متقاضی مشاوره زناشویی از مبارزه‌جویی بالاتری برخوردارند که مهمترین نشانه آن هم تلاش برای حل مشکل ارتباطی از طریق مشاوره به‌جای قطع رابطه از طریق طلاق بوده است.

از چشم‌اندازی دیگر عوامل فرهنگی - اجتماعی از عوامل تاثیرگذار بر سرسختی افراد محسوب می‌شوند. بنابراین تفاوت‌های فرهنگی افراد مورد پژوهش می‌تواند یکی از عوامل تاثیرگذار بر نتایج بدست آمده باشد. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا سازه سرسختی واقعا همان مفهومی که در غرب دارد، در ایران و برای آزمودنی‌هایی با فرهنگ ایرانی دارا می‌باشد و یا نیازمند تغییراتی برای تطابق با فرهنگ و جامعه ایرانی می‌باشد؟ از طرف دیگر ابزار مورد استفاده در این پژوهش نیز دارای سوال‌ها و ویژگی‌هایی بود که به‌نظر می‌رسد برای برخی از آزمودنی‌ها مفهوم کاملی در بر نداشته است و به همین دلیل امکان ارائه دقیق و درستی از نظرات شخصی آزمودنی در پاسخ‌گویی میسر نبوده است.

اینها سوال‌هایی است که در تحقیقات آینده باید به آن پرداخته شود تا امکان ارائه نتایج دقیق‌تری در پژوهش‌هایی از این دست امکان‌پذیر باشد.